

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان مقاله:

نقش، جایگاه مربیان در جامعه پردازشی با تاکید به بیانیه

گام دوم انقلاب

تدوین: حجت نیکوئی

مربی عقیدتی سیاسی سپاه شهرستان سلماس

مرکز شهید امینی نمایندگی سپاه شهدا

خرداد ۱۴۰۰

## چکیده:

رهبر حکیم انقلاب، حضرت آیت الله امام خامنه ای، در بیانیه گام دوم انقلاب، ضمن تبیین دستاوردهای چهار دهه گذشته، جامعه را به جهادی بزرگ برای ساختن ایران اسلامی رهنمون می سازد. هر چند مخاطب ویژه این بیانیه جوانان جامعه هستند. ولی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان مهم ترین نهاد در حوزه حفظ و حراست از انقلاب، در ارتباط تنگاتنگ جامعه اسلامی برای رسیدن به تعالی با ایجاد جامعه پذیری برعهده دارد و در این رهگذر، مریبان عقیدتی سیاسی با توجه به رهنمودهای مقام معظم رهبری نقش اساسی و چاره ساز برای تحقق جامعه پذیری دارد. هدف این مقاله تبیین نقش مریبان در جامعه پذیری مطرح شده در بیانیه گام دوم انقلاب در رابطه با جامعه اسلامی است. در این پژوهش که به شیوه کتابخانه ای انجام شده، سعی شد جایگاه جامعه پذیری در بیانیه، گام دوم معرفی گردد. با مطالعه هدفمند بیانیه گام دوم، درمی یابیم در فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی. سلسله مباحثی که رهبر معظم انقلاب در سال های مختلف طرح فرموده اند شامل پنج مرحله است. مرحله اول و دوم این سلسله، انقلاب و نظام اسلامی بوده که هر دوی این مراحل کماکان ادامه دارند. مرحله سوم آن، تشکیل دولت اسلامی است. دولت اسلامی بناست جامعه اسلامی را که مرحله چهارم فرایند می شود، ایجاد کند. با ایجاد جامعه اسلامی و تکثیر آن، تمدن نوین اسلامی که مرحله غایی نیل به اهداف اسلامی است، بر این پایه، مریبان در زمینه پرورش افرادی تخصص محور و دانش بنیان، اخلاق مدار، نقدپذیر، مردم یار، مطالبه گر، و پاسخگو در بالندگی جامعه نقش به سزایی خواهند داشت.

## مقدمه:

بیانیه گام دوم انقلاب با تحلیل چشم انداز چهل سال دوم انقلاب، راهبردی است برای آینده ایران اسلامی تا دشمن جرات نفوذ به این خاک را نداشته باشد. وقتی رهبری معظم در بیانیه ای ۶۱۰۰ کلمه ای با محتوای ارزشمند کلمه «نظام انقلابی» را مطرح می کند نشان دهنده این است که کشور در چه موقعیت زمانی در سیاست داخلی و خارجی قرار دارد و در نقشه چهل سال آینده مردم باید به چه مسیری سوق پیدا کنند. بیانیه گام دوم انقلاب را باید چراغ راه نظام و ملت ایران در تداوم انقلاب اسلامی و رسیدن به دروازه های تمدن نوین اسلامی و فتح سنگرهای کلیدی جهان

و قله‌های رفیع اقتدار، عزت و پیشرفت دانست. و در این میان نقش مربیان تعلیم و تربیت که مورد خطاب ویژه رهبری معظم بوده به عنوان افراد توانمند و باتجربه در امر تعلیم و تربیت همانند یک موجود فعال و پویا کاملاً مشخص است که بایستی همانند گام اول و بلکه فعال تراز آن برای تحقق گام دوم قدم بردارند.

#### تعریف مفاهیم

نقش و جایگاه: نقش در اصطلاح جامعه‌شناسی عنوانی است که با آن جایگاه و الگوهای رفتاری یک شخص یا نهادی در بین جامعه تعیین می‌گردد.

تعریف مربی: برای درک بهتر معنی و مفهوم مربی لازم به تفاوت آن با معلم توجه شود

معلم کسی است که با تدریس به انتقال دانش به گروهی از افراد می‌پردازد ولی مربی شخصی است سعی می‌کند مهارت‌ها و بهترین روش‌ها را برای دستیابی به موفقیت برای مخاطب در عمل نشان دهد به عبارتی مربی با آموزش به جنبه‌های عملی یک موضوع یا یک هنر می‌پردازد ولی معلم با تدریس به جنبه‌های نظری یک موضوع یا یک هنر می‌پردازد. معلم، به اندازه کافی جنبه‌های "چه کاری را باید انجام دهد" یک موضوع یا یک هنر، می‌پردازد ولی یک مربی بیشتر به جنبه‌های "چگونگی انجام" یک موضوع یا یک هنر توجه می‌کند.

#### جامعه‌پذیری

لفظ جامعه در لغت، از مصدر «جَمَع» به معنای گرد کردن، گردهم آوردن، فراهم کردن یا فراهم آوردن، و برهم افزودن است. و بنابراین، جامعه به معنای گرد آورنده، فراهم کننده یا آورنده، برهم افزاینده و در برگیرنده خواهد بود. جامعه در اصطلاح جامعه‌شناسی به مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظامات و آداب و سنن و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته جمعی دارند، گفته می‌شود

#### مفهوم جامعه‌پردازی از نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی

مفهوم جامعه‌پردازی یکی از مراحل پنجگانه فرایند انقلاب اسلامی، با هدف رسیدن به جامعه اسلامی است. در این جامعه آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلام، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند از خصوصیات این جامعه، برخوردار از عدالت، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ی که مردم در آن، در اداره‌ی کشور، در آینده‌ی

خود، در پیشرفت خود دارای نقش اند. بنا بر این می توان گفت که جامعه پذیری به معنای همسازی و همنوایی فرد با ارزشها، هنجارها و نگرشهای گروهی اجتماعی است یا به مفهوم دیگر، اجتماعی شدن فراگردی است که به واسطه آن، هر فرد، دانش و مهارتهای اجتماعی لازم برای مشارکت مؤثر و فعال در زندگی گروهی و اجتماعی را کسب می کند. مجموعه این ارزشها، هنجارها، نگرشها، دانشها، مهارتها، فرد را قادر می سازد که با گروهها و افراد جامعه، روابط و کنشهای متقابل داشته باشد. فراگرد اجتماعی شدن، امری مستمر و به اعتباری مادام العمر است.

بیانیه: اطلاعیه یا نوشته ای که از سوی سازمان، حزب یا شخص مسئولی صادر شود. فرهنگ فارسی معین بیانیه در اصطلاح سیاسی متنی است که یک شخص یا گروه از آن برای بیان اصول، عقاید و اهداف خود به عموم استفاده می کند.

بیانیه، فرمان حمله ای است که توسط فرمانده مقتدری که خود دیده بان تیزبین است صادر شده. خطاب به لشکریان جوان و توانمند و محترمی که باید قدر خود را بدانند و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارند و حماسه بیافرینند که دهه های آینده دهه های آنهاست و باید کار آزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنند.

در تدوین بیانیه باید به نکات زیر توجه شود :

۱. مبتنی بر واقعیات باشد
۲. قابلیت اجرای داشته باشد
۳. منعکس کننده مسیرهای استراتژیک جدید برای وضعیت کنونی و آینده باشد
۴. باید واضح و قابل فهم باشد
۵. باید وظایف سازمانها و اقشار مختلف را داشته باشد
۶. بایستی نوید دهنده و خلاق و نوآور باشد

بیانیه گام دوم انقلاب:

بیانیه «گام دوم انقلاب» در ادامه گام اول بوده که در آن مرحله انقلاب اسلامی شکل یافته و با طی چالش های بیرونی و آسیب های دورنی توانست خود به گام دوم برساند و بیانیه ی گام دوم است که به عنوان منشور و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی در برابر ملت ایران، به ویژه جوانان برای رسیدن به «دومین مرحله ی خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی» قرار دارد. بیانیه گام دوم ضمن اینکه یک مرور پر تجربه ۴۰ ساله انقلاب اسلامی است در اصل، فرمان آغاز حمله بزرگ، در تمام عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و دفاعی است.

بیان مسئله:

انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی قدم به دهه‌ی پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند.

در چنین نقطه‌ی عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» و برای ادامه‌ی این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه‌ی گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به‌منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند. بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» تجدید مطلبی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد. این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی<sup>۱</sup> (ارواح‌نفاذ) هست» نزدیک خواهد کرد. با این بیان سؤال اصلی این است که مریان تربیتی و عقیدتی سیاسی نهاد انقلابی سپاه درقبال جامعه‌پذیری که در این بیانیه به عنوان یکی از فرآیند اهداف انقلاب اسلامی چه وظایفی و نقشی جهت ایفا اجرا دارند؟

روش تحقیق: روش مورد مطالعه این موضوع به صورت کتابخانه و توصیفی بوده و به صورت فیش برداری مطال‌جمه آوری شده است

گفتار اول: جایگاه جامعه‌پذیری در گام دوم انقلاب اسلامی

نقش و جایگاه بیانیه گام دوم: این بیانیه یک برنامه مسیریاب است. مسیریاب‌ها در ابتدا برنامه‌هایی بسیار ساده و ابتدایی بودند که اغلب شامل یک نقشه بود. نقشه‌ای که نشان می‌داد از نقطه الف به نقطه ب چگونه باید رفت و چه مسیر یا مسیرهای احتمالی برای رسیدن به مقصد وجود دارد. مسیریاب‌ها با گذر زمان هوشمندتر شده‌اند. چالش‌ها، موانع، حجم‌بار ترافیک، شرایط جوی، تخمین زمانی، تشخیص مکان‌های خاص و... از دیگر امکانات مسیریاب‌های جدید هستند حال فرض کنید شما در یک شهر غریبه و می‌خواهید از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر برسید. علاوه بر ترافیک، پیچیدگی و ناآشنایی، خطراتی خاص نیز شما را تهدید می‌کند. آنجاست که مسیر یاب چاره ساز خواهد بود.

چنانچه پیش تر بیان شد جامعه پردازی یکی از مراحل پنجگانه فرایند انقلاب اسلامی، با هدف رسیدن به جامعه اسلامی است. و این جامعه از نظر رهبر معظم انقلاب جامعه ای که در آن، آرمان های اسلامی، اهداف اسلام، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه ای عادل، برخوردار از عدالت، جامعه ای آزاد، جامعه ای که مردم در آن، در اداره ی کشور، در آینده ی خود، در پیشرفت خود دارای نقشند، دارای تأثیرند، جامعه ای دارای عزت ملی و استغنا ی ملی، جامعه ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه ای دارای پیشرفت های همه جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالاخره جامعه ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه ای است که ما دنبالش هستیم. البته این جامعه تحقق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقق پیدا کند.

رهبری انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم اشاره می کنند که «ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله ی بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین الملل اسلامی است»؛ لذا رهبری معظم فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی را در پنج مورد زیر می دانند:

1. انقلاب اسلامی؛

2. تشکیل نظام اسلامی؛

3. تشکیل دولت اسلامی؛

4. تشکیل جامعه (کشور) اسلامی؛

5. تشکیل دنیای (امت، تمدن) اسلامی

سلسله مباحثی که رهبر معظم انقلاب در سال های مختلف طرح فرموده اند شامل پنج مرحله است. مرحله اول و دوم این سلسله، انقلاب و نظام اسلامی است که ما اکنون این دو مرحله را پشت سر گذاشته ایم. البته پشت سر گذاشتنی که می گوئیم به معنای تمام شدن نیست و هر دوی این مراحل کماکان با تعریف مشخصی که از انقلاب و نظام داریم، ادامه دارند. مرحله سوم آن زنجیره، تشکیل دولت اسلامی است. دولت اسلامی بناست جامعه اسلامی را که مرحله چهارم آن

می‌شود، ایجاد کند. با ایجاد جامعه اسلامی و تکثیر آن، تمدن نوین اسلامی که مرحله غایی نیل به اهداف اسلامی است، محقق می‌شود. این چیزی که رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم اشار کرده‌اند مبتنی بر همین است. منتها رهبر انقلاب «دولت‌سازی» را به عنوان «خودسازی» آورده‌اند که بعد از این و البته هم زمان به جامعه‌پردازی می‌رسیم که نتیجه نهایی‌اش تمدن نوین اسلامی است. در واقع ایشان پنج مرحله اشاره شده را در عبارت «خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خلاصه کرده‌اند.

برخی‌ها معتقدند جامعه‌سازی بعد از دولت‌سازی است؛ درباره رابطه دولت و جامعه چند دیدگاه مطرح است. بله برخی معتقدند، چون دولت از دل جامعه درمی‌آید، رهبر انقلاب باید تشکیل جامعه اسلامی را مقدم بر دولت اسلامی کنند. اما برخی دیگر معتقدند تا دولت، اسلامی نشود جامعه، اسلامی نمی‌شود. چون دولت و حاکمان بیشترین تأثیر را در زندگی مردم و سبک زندگی آن‌ها دارند. در روایت هم داریم که «مردم به امرایشان شبیه‌ترند تا پدرانشان» یا همگان شنیده‌ایم که «الناس علی دین ملوکهم». در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه نیز آمده است: «مردم صالح نمی‌شوند، مگر حکومتشان صالح باشد.» با توجه به این موارد پس باید ابتدا دولت اسلامی شود تا در اثر این اسلامی شدن، جامعه هم اسلامی شود. دولت عنصری است که از حیث اثرگذاری بر جامعه نظیر ندارد و هر رفتار حاکمان یا سیاست‌گذاری و طراحی‌هایشان می‌تواند در مقیاس وسیع، تولید فضیلت یا عدم فضیلت کند. به عبارت دیگر می‌توان گفت این دولت است که چارچوب و زمین‌بازی را تعریف می‌کند و جامعه در آن زمین تعریف شده، حیات پیدا می‌کند و ادامه حیات می‌دهد. اما در کنار این نکته‌ای که وجود دارد این است که اگر جامعه‌ای، اسلام را نخواهد اساساً در آن جامعه دولت اسلامی امکان تولد پیدا نخواهد کرد. حضرت هم در آن خطبه ۲۱۶ بلافاصله بعد از اینکه می‌گویند: «مردم صالح نمی‌شوند، مگر آنکه حکومتشان صالح باشند.» همچنین می‌فرمایند: «حکومت‌ها هرگز صالح نخواهند شد، مگر آنکه توده ملت استوار و با استقامت شوند.» لذا این دو منطق را اینطور جمع می‌کنیم که ابتدا و پیش از تشکیل دولت اسلامی، جامعه باید اجمالاً اسلام‌خواه باشد؛ اگر جامعه اسلام را خواست و دولت اسلامی امکان تولد پیدا کرد آنگاه هر چه دولت تفصیلی‌تر اسلامی شود، جامعه تفصیلی‌تر اسلامی می‌شود. پس یک حالت رفت و برگشتی می‌توان بین جامعه اسلامی و دولت اسلامی در نظر گرفت.

چگونگی جامعه‌پردازی

جبهه انقلاب در گام اول عموماً برای جامعه‌پردازی از روش‌های معرفتی استفاده کرده است. منظور این است که دائماً تلاش شده است با برگزاری جلسات سخنرانی، چاپ کتاب و نشریه جامعه‌پردازی صورت بگیرد. آیا روش‌های مؤثر دیگری هم وجود دارد که در گام دوم باید بیشتر به آن‌ها توجه کرد؟ معرفت بخشی خیلی مهم است این حتماً باید باشد. ولی در حوزه بینشی (چگونگی) و هم در حوزه گرایشی (اعتقادی و رفتاری) باید سعی شود جامعه را به آن ایده‌آل‌هایی که اسلام گفته است نزدیک ساخت. شاکله جامعه تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل می‌گیرد، در رأس این عوامل حکومت (اعم از رفتار و سیاست‌گذاری حاکمان) است. در مراحل بعدی نخبگان، خانواده، نظام تعلیم و تربیت و رسانه وجود دارد. و هر نوع کنش و هر فعل و ترک فعلی، بر جامعه اثرگذار است و سر جمع این‌ها شاکله جامعه را شکل می‌دهد.

چنانچه مشخص است صرفاً با یک برنامه نمی‌شود، کارها را جلو برد باید جهاد گونه و با سوز دل وارد میدان شد برای رسیدن به جامعه اسلامی رفتار حاکمان باید تراز انقلاب اسلامی شود و باید بر اصلاح این رفتارها تمرکز داشت. مثلاً اگر حاکمان به سمت حرص رفتند و قوه شهوتشان بر قوای دیگر غلبه کرد، این بر مردم و مصرف‌گرایی و تجمل‌دوستی آن‌ها هم تأثیر خواهد گذاشت. اگر اینطور شد حالا هر چه هم برنامه خوب تدوین شده باشد جامعه به سمت نوعی دین‌داری مناسکی خواهد رفت و جامعه نمازخوان و روزه‌بگیر است، اما آنچه از رفتار حاکمان تأثیر می‌گیرد، همه حرف‌ها و برنامه‌ها را خنثی می‌کند. لذا اینجاست که حکومت و نخبگان نسبت به عوامل دیگر بیشترین تأثیرگذاری را دارند و عوامل دیگر همه به نوعی از رفتار حاکمان یا نخبگان تأثیر می‌پذیرند. اگر به این دو عامل (رفتار حاکمان و نخبگان) آسیب‌شناسانه نگاه شود، شاید آنچه امروز بیش از هر چیز قابل توجه است چسبندگی نخبگان نسل اولی به قدرت و اشرافی‌گری مسئولان است اِذا در گام دوم چطور باید مانع پیشروی این دو آسیب شد؟ آنچه از فرمایشات رهبری معظم برمی‌آید به عنوان راه اول اینکه که نسل جوان تربیت شده در این ۴۰ سال، آرام آرام کارها را دست بگیرد. نسل تربیت شده جدید به عنوان یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی، نسلی کارآمد است که هم از نظر فکری و هم از نظر شخصیتی نقاط قوت بسیاری دارد و شانه زیر بار انقلاب خواهد داد. یک راه دیگر هم شفافیت است. خیلی وقت‌ها افراد می‌توانند قانون را دور بزنند، اما افکار عمومی را نخواهند توانست. اگر شفافیت در عرصه‌های مختلف از مالی تا اداری صورت بگیرد و مردم هم در صحنه و مطالبه‌گر باشند دیگر هیچ مسئولی نخواهد توانست خارج از دایره



قانون به منفعت شخصی اش فکر کند. پس می توان یکی دیگر از ابعاد «جامعه پردازی» را مطالبه گر شدن مردم و نظارت دائمی آن ها بر عملکرد مسئولان دانست.

یکی از بحث ها در «جامعه پردازی»، مدرن شدن جامعه ایرانی است. ما شاهد هستیم که جامعه از یک سو متأثر از شبکه های اجتماعی، ماهواره ها، سبک زندگی و ... به سمت مدرن شدن کشیده می شود و از سوی دیگر ما می خواهیم با خودسازی آن ها را به سوی جامعه ایده آل اسلامی بکشانیم. در حالی که مثلاً می دانیم جامعه ایده آل اسلامی یکی از ارکانش معنویت آن هم معنویت الهی است، اما جامعه مدرن جامعه ای منقطع شده از عالم ملکوت است. این تضادها را چگونه باید در جامعه پردازی لحاظ کرد؟

در مواجهه با تحولات پیش آمده دنیای مدرن چهار مدل کنش می توان تصور کرد. یا منفعل باشیم یا واکنشگر باشیم یعنی بعد از رخ داد یک تحول، واکنشی نشان دهیم. یا پیش فعال باشیم، یعنی متوجه شویم در آینده چه اتفاقی می افتد و بعد بر اساس آن طرح یا برنامه ای بریزیم. یا در بهترین حالت، پیشتاز باشیم یعنی خودمان آینده را رقم بزنیم. الان متأسفانه مواجهه ما با آینده یا منفعلانه است یا اگر خیلی هنر شود واکنشگرایانه عمل می شود. مثل همین شبکه های اجتماعی را می توان مثال زد، وقتی تلگرام می آید، گسترش پیدا می کند، مردم زندگی شان را بر اساس آن شکل می دهند، بعد ما یادمان می افتد که می توانیم شبکه داخلی هم راه بیندازیم. خب عاقلانه این است که ما وقتی فهمیدیم مردم نیاز به ارتباط دارند، پیش دستانه این نیاز را برآورده کنیم. البته در حوزه نظامی وضعیت این نیست و حداقل کنش های ما از نوع سوم بوده که در برخی موارد وارد مرحله چهارم شدیم یعنی ایران گام هایی برای رسیدن به یک قدرت نظامی بازدارنده برداشته است. مثال دیگر در این را نی توان به زمینه گرایش مردم به حضرت امام (ره) اشاره کرد. ایشان که نیامد برای مردم فلسفه و اصول بگوید. حضرت امام (ره) در کنار پاسخ هایی که مارکسیست ها و جبهه ملی به نیازهای مردم می دادند از خاستگاه اسلام به این نیازها جواب دادند و مردم این پاسخ ها را شنیدند، پذیرفتند و به سمت آن آمدند. به همین خاطر نظریه پردازی حتماً باید ناظر به مسائل مردم باشد. با این بیان می توان نتیجه گرفت که بخشی از جامعه پردازی نظریه پردازی بر اساس نیازهای مردم است. و گاهی هم فراتر از آن گام برداشت یعنی باید برای مردم نیازسازی کرد. اما همه این ها به مردم بازمی گردد. از مردم شروع می شود و به مردم بازمی گردد. گاهی هیچ نظریه ای به مردم ارائه نمی شود، ولی مثلاً رفتاری یا معماری ساختمانی، تحولی در او ایجاد و حتی منجر به کنشی

می‌شود. مثلاً من و شما می‌رویم حرم امام رضا (ع) و بدون آنکه کسی چیزی به ما بگوید یا پای سخنرانی‌ای بنشینیم به سمت معنویت سوق پیدا می‌کنیم. آیا نمی‌شود از چنین راهکارهایی برای جامعه‌پردازی استفاده کرد؟

## گفتار دوم: نقش و جایگاه مریبان در گام دوم انقلاب

با توجه به اینکه اداره مملکت در کشورهای همانند ایران که بر اساس یک حرکت مردمی و وابسته به همگان است بنابراین می‌توان گفت خطاب مقام معظم رهبری صرفاً شخص یا نهاد خاصی نمی‌تواند باشد بلکه هر شخصی و هزارگانی بنا به مسئولیت خود وظیفه پیشبرد هدف بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» که «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» است را دارد بنا براین می‌توان گفت که مخاطب مقام معظم رهبری در این بیانیه آحاد مردم اعم از مدیران، کارگزاران، دولت مردان و عموم ملت و معلمان، اساتید و مریبان نیز هستند.

جامعه‌پردازی مهمترین محور بیانیه گام دوم انقلاب محسوب می‌شود و همه محورها را تحت شعاع قرار می‌دهد، انقلاب اسلامی که وارد دوره دوم خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. در قلب این سه مفهوم جامعه‌پردازی وجود دارد از این رو جامعه‌سازی تکلیف آورترین مساله در بیانیه گام دوم به شمار می‌رود؛ اگر جامعه‌پردازی صورت بپذیرد تمدن‌سازی در ریل خودش قرار می‌گیرد. در این جامعه امام به عنوان قطب و محور مطرح بوده و دین اسلام به عنوان محتوای جامعه مد نظر می‌باشد لذا می‌توان مردم را که مخاطب اصلی در این جامعه اسلامی محسوب می‌شود به سه لایه تقسیم کرد لایه نخست نصرت است معمولاً کسانی که در این دسته قرار می‌گیرند از نظر تعداد کم ولی از نظر کیفیت بی‌نظیر هستند؛ آنان خود را وقت امام می‌کنند تنها به این فکر هستند که باری از دوش امام بردارند. لایه دوم، لایه ایمان و اطاعت است آنان امام جامعه را قبول دارند و اگر امر و نهی از جانب ایشان صادر شود که متوجه آنان باشد اطاعت می‌کنند؛ برای مثال اگر بشنوند رهبری فرمودند از کالای ایرانی استفاده کنید به امر ولی عمل می‌کنند. لایه خاکستری به عنوان لایه سوم کسانی هستند که از همه اوامر و نواهی ایشان اطاعت نمی‌کنند اما با ایشان دشمنی هم نمی‌ورزند به اصطلاح رایج امروز از آنان به عنوان قشر خاکستری یاد می‌شود

مهمترین وظیفه امروز ما مریبان این است که در یک فضای کاملاً الهی و تشکیلاتی لایه نصرت را شکل و گسترش دهیم و بیانات ولایت فقیه را به گونه‌ای هنرمندانه در لایه ایمان و اطاعت منتشر کنیم به گونه‌ای که از جمعیت لایه خاکستری

به صورت طبیعی کم شود و افراد از لایه خاکستری وارد لایه دوم که همان ایمان و اطاعت است وارد شوند این همان جامعه پردازی است. امام علی(ع) جمعیت داشتند اما دارای جامعه نبودند امامی که جامعه نداشته باشد اطاعت نمی شود. مردم جامعه باید مدام نصرت امام را به یکدیگر متذکر شوند تا به تعداد افراد لایه نصرت افزایش یابد. حتی رسول الله(ص) امتی به خوبی امت امام راحل نداشتند زیرا می بینیم که امام خمینی(ره) در بدترین شرایط اراده می کردند کاری انجام شود، انجام می شد چون ایشان امت داشتند.

رسالت جدید ملت ایران در «گام دوم انقلاب» و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی، با ورود به دهه پنجم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، جامعه پردازی است. مرحله ای که بعد از نظام سازی و دولت سازی مقدمه تمدن اسلامی- ایرانی در شکل نوین آن و مطلع بایسته ی طلوع خورشید ولایت عظمی بوده و مناسبات زندگی اجتماعی انسان ها را در هزاره جاری تحت تأثیر قرار می دهد. اما این جامعه سازی خود مبتنی بر شعارهای انقلاب اسلامی، روحیه و حرکت انقلابی است، اینجاست که مریبان عقیدتی سیاسی سپاه با عنایت به تجربه گرانمایی که دارند در تحقق اهداف گام دوم وظیه دارند در تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی دفاعی و فرهنگی هم خود وهم جامعه را همانند چهل سال گذشته به عنوان خط شکن در رسیدن به «دومین مرحله ی خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی» آماده کنند. که به برخی از آنها اشاره می شود.

#### ۱- مطالعه کردن و آگاه شدن به متن و محتوا بیانیه:

باید دنبال این بود که بیانیه از مخاطبین خود چه چیز را می طلبد. این بیانیه که از ۶۱۰۰ کلمه ای تشکیل شده حتما نیازمند تعمق و شایسته تدبیر در آن است. بیانیه «گام دوم انقلاب» نیازمند روشنگری است، و آینده انقلاب و مسیر بشریت گره خورده با بیانیه «گام دوم انقلاب» است.

۲- عملیاتی کردن بیانیه: متاسفانه دستورالعمل ها و نظرات مقام معظم رهبری در بعضی موارد به صورت شعاری در می آید این در حالی است که باید نقشه راه باشد. این بیانیه صرفا برای تمجید و تجلیل نیست. بلکه به عنوان یک سند

کاملاً عملیاتی و اجرایی است. نکته قابل توجه اینکه اگر تمام مسئولیت ها را متوجه دولت یا قوه قضائیه بدانیم طبیعی است که به تنهایی قادر به اجرای آن نخواهند بود بنابراین عملیاتی کردن بیانیه نیازمند همت آحاد ملت است.

۳- یکی از کارکردهای معلمان و مربیان جامعه ، اجتماعی کردن افراد جامعه است. .

۴- آموزش قواعد و نظم با جامعه پذیری

یکی از مقاصد جامعه پذیری آموزش قواعد و نظامات اساسی ، از آداب و عادات و رفتار روزمره گرفته تا روشهای علمی ، به افراد است. رفتار نامنظم و خلاف قاعده ، معمولاً از انگیزه‌های ناگهانی یا محرک آنی ناشی می‌شود. چنین رفتاری ، نتایج و خشنودیهای آنی را در مقابل لذات و رضایتمندی‌های آنی و گذرا ، نادیده می‌گیرد. برعکس ، رفتار مبتنی بر نظم و انضباط ، به منظور پذیرش اجتماعی یا برای دستیابی به یک هدف آنی ، خشنودیهای آنی و گذرا را به تعویق انداخته ، آنها را تعدیل و تحدید می‌کند.

۵- آموزش مهارتها توسط جامعه پذیری

هدف دیگر معلمان و مربیان ، آموختن مهارتها است فقط با اکتساب و یادگیری مهارتهاست که افراد می‌توانند ، در جامعه ، منشأ اثر واقع شوند

۶- ایجاد امید و آرزو در افراد

جامعه پذیری به همان میزان که عادات و رفتار فرد را مطابق هنجارهای اجتماعی ، تحت نظم و انضباط در می‌آورد، به او امید و آرزو می‌دهد. انضباط به خودی خود ، وقتی برای فرد شاق و بی‌پاداش باشد، تحمل سوز است. به تدریج ، به هر یک از اعضای خود ، خواستها و آرزوهایی ، در خور پایگاههایی که با توجه به جنس ، سن ، وابستگی گروهی یا منشأ خانوادگی اشغال خواهند کرد، القا می‌کند.

۷- نقش اجتماعی جامعه پذیری

جامعه پذیری ، نقشهای اجتماعی و نگرشها ، انتظارات و گرایشهای مربوط به آن نقشها را به فرد می‌آموزد. نقشهای اجتماعی ، آمال و آرزوها ، هویتها و قواعد و نظامات رفتاری ، روابط متقابل تنگاتنگی با یکدیگر دارند، مثلاً معلمی یک آرزوی معنوی و شغلی است، قواعد و هنجارهای ویژه‌ای دارد، نوعی هویت شخصی است، بالاخره ، یک نقش اجتماعی است. بنابر سنتهای جامعه ، معلم از احترام و مسئولیت معنوی خاصی برخوردار است.

۸- حراست از انقلاب اسلامی و عزت ملی:

۹- شناخت گذشته: برای دفاع از آزادی و استقلال کشور در گام دوم، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت.

۱۰- آسیب شناسی مسیر حرکت: بدون تردید لازمه هر حرکت، شناسایی به موقع و هوشمندانه آسیب‌ها و دفع آنهاست. در جامعه ما هم برای جلوگیری از تحمیل خسارت‌های محض بر ملت در گام اول بایستی علل و عوامل مسبب آن شناسایی و برای حفظ انقلاب و تداوم آن در گام‌های بعدی اقدام کرد.

۱۱- کمک به تحقق عدالت و جلوگیری از فساد برای مانع زدائی مسیر جامعه پذیری

۱۲- کمک به رونق اقتصادی و فرهنگ مهدوی همانند رسیدن به رونق دفاعی برای شکل‌گیری و استحکام جامعه پذیری مردم

۱۳- تقویت روحیه جهادی و اخلاص و معنویت جهت گسترش جامعه پذیری

۱۴- تربیت نیروهای جوان و مدیران در طراز انقلاب اسلامی به عنوان رکن اصلی جامعه پذیری

۱۵- تقویت و پشتیبان ولایت فقیه به عنوان رکن دوم جامعه ولایی (رکن اول دین و رکن دوم مردم جامعه پذیر)

۱۶- تقویت سبک زندگی اسلامی-ایرانی برای هموار کردن مسیر جامعه پذیری

۱۷- تقویت دانش و پژوهش به منظور خودکفایی و استقلال علمی و خارج شدن از وابستگی

۱۸- مهمترین و خطرترین وظیفه امروز ما مریبان این است لایه نصرت که پیشتر اشاره گردید را تشکیل و گسترش دهیم و بیانات ولایت فقیه را به گونه‌ای هنرمندانه در لایه ایمان و اطاعت منتشر کنیم به گونه‌ای که از جمعیت لایه خاکستری به صورت طبیعی کم شود و افراد از لایه خاکستری وارد لایه دوم که همان ایمان و اطاعت است وارد شوند که این همان جامعه پردازی است.

نتیجه‌گیری:

نظر عمده رهبر انقلاب اسلامی در بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» این بوده که انقلاب اسلامی با مرور تجربه‌ی ۴۰ ساله‌ی وارد دوّمین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. گام دومی که باید در چارچوب «نظریه‌ی نظام انقلابی» و با «تلاش و مجاهدت جوانان ایران اسلامی» به‌سوی تحقق آرمان «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذیه)» برداشته شود. پیشگامان در گام اول باعث پیروزی انقلاب شدند، حال نوبت جوانان است که آنچه آنها به دست آوردند را حفظ کرده و رشد دهند. آنچه به عنوان وظیفه برای مریدان مطرح شد این بوده که بیانیه جای تدریس، تبیین و ترویج دارد، تا با تبیین ظرفیت‌های این پیام در خصوص مهم‌ترین رکن فرایند انقلاب اسلامی یعنی جامعه‌پذیری بتوان از میوه آن در جامعه استفاده کرد. تا ضمن حفظ و پاسداشت انقلاب اسلامی از گرفتارشدن در رکود و خموشی جلوگیری کرد چنانچه رهبر معظم انقلاب فرموده «این انقلاب انعطاف دارد ولی انفعال خیر»

#### منابع

- ۱- نهج‌البلاغه
- ۲- بیانیه گام دوم انقلاب
- ۳- مصباح یزدی، محمد تقی جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، قم انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی «ره»، ۱۳۹۱
- ۴- مطهری، مرتضی مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی (جامعه و تاریخ)، ناشر: صدرا، تاریخ ۱۳۹۶،
- ۵- مهدوی ارفع شرحی بر بیانیه گام دوم، خبرگزاری رسا، تیر ۱۳۸۹
- ۶- جهان‌بین، فرزاد، عضو هیئت علمی دانشگاه شاهد، خبرگزاری تسنیم آذر ۱۳۹۸